

## **Analysis of the Concept of Theology in Claire Joubert's Stories with a Focus on Teaching Religious Concepts to Children**

**Tavagh Galdi Golshahi\***

### **Abstract**

The present study, using a descriptive-analytical method, aimed to analyze the concept of theology in the fiction works of Claire Joubert in terms of structural and content-related aspects. Theology is one of the basic principles of Islamic teachings and one of the most important issues in people's religious and spiritual lives. If monotheism and theology are presented to children in accordance with their cognition and perception, and away from imitation and imposition, children can easily understand other basic principles such as prophethood and resurrection. In explaining the concept of God and Islamic theology to the age groups B and C, this Muslim writer delicately uses indirect methods with tangible examples to convey the concept of God. Using the art of fiction, a simple language, short and understandable sentences, happy and attractive images, Quranic verses and narratives, tangible phenomena of creation, and making use of human and animal characters in her works, the writer appropriately answers children's questions concerning theology and evokes a sense of theism in them.

**Keywords:** Theology, Teaching Religious Concepts, Children, Claire Joubert.

\* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran, tavagh.golshahi@gmail.com

Date received: 06/06/2021, Date of acceptance: 21/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تحلیل مفهوم خداشناسی در داستان‌های کلر ژوبرت با تأکید بر آموزش مفاهیم دینی به کودکان

طواق گلدی گلشاهی\*

### چکیده

این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به دنبال تحلیل مفهوم خداشناسی از جنبه‌های ساختاری و محتوایی در آثار داستانی کلر ژوبرت است. خداشناسی، یکی از اصول اساسی مکتب اسلام و از مهمترین مسائل زیربنایی زندگی معنوی و دینی انسان‌هاست و اگر توحید و خداشناسی، مطابق شناخت و ادراک کودکان به دور از تقلید و تحمیل در ادبیات داستانی بیان شود ادراک اصول اساسی دیگر مانند نبوت و معاد به راحتی برای کودکان میسر می‌گردد. این نویسنده مسلمان، در تبیین مفهوم خدا و خداشناسی اسلامی با آگاهی دقیق از ظرفیت روح و روان و زبان کودکان و فهم کودکانه آنان و دشواری انتقال مفهوم خدا برای گروه سنی ب و ج، از روش‌های غیر مستقیم‌گویی و مثال‌های ملموس و عینی استفاده نموده است و از طریق هنر داستان‌نویسی و به زبانی روان و شیوا و با جملاتی کوتاه و قابل فهم و تصاویری شاد و جذاب و الهام گرفتن از آیات و روایات و از طریق محسوسات و پدیده‌های آفرینشو با کنار هم گذاشتن شخصیت‌های انسانی و حیوانی به نحوی شایسته به پرسش‌های کودکان در خصوص مفهوم خداشناسی پاسخ داده و حس خداپرستی را در آنان برانگیخته است.

**کلیدواژه‌ها:** خداشناسی، آموزش مفاهیم دینی، کودکان، کلر ژوبرت.

\* استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران،

tavagh.golshahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

حسن دینی، یکی از احساسات فطری بشر است که در طول تاریخ، به اشکال مختلف، بروز یافته است. تأثیری که آموزه‌های دینی بر نخبگان و توده مردم می‌گذارد، می‌تواند تمام انرژی‌ها و فعالیت‌ها را در جهت انقلاب‌ها، اصلاح تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به کار گیرد و آثار عظیمی را از خود به یادگار بگذارد، تا آن جا که می‌توان گفت تمدن بشری بدون وجود دین و باورهای دینی ممکن نبوده و نیست. در ایران نیز به دلیل وضعیت فرهنگی و آموزشی خاص، آموزه‌های دینی در همه دوران‌ها علاوه بر حفظ اساس کشور، تمدن‌ساز نیز بوده است.

ایرانیان به مسائل اخلاقی چندان عنایت داشته‌اند که حتی در حاشیه فرش‌ها و لباس‌ها و سفره‌ها و ظرف‌ها به عنوان زینت، کلمات و اشعار اخلاقی را نقش و نقر می‌کرده‌اند. جاحظ، دانشمند بزرگ تازی می‌گوید:

ایرانیان تا آنجا به مضامین اخلاقی توجه داشتند و چندان این‌گونه سخنان را بزرگ می‌شمردند که همانند تاریخ افتخاراتشان از آنها نگهداری می‌کردند و در صفحه کتاب‌ها و سینه سنگها جاودانه می‌ساختند. و بدین ترتیب است که در میان متون بازمانده از ادبیات پهلوی به انبوهی از اندرزنامه‌ها برمی‌خوریم همچون اندرز آذرباد مهرسپندان، اندرز دستوربران به وه‌دینان، اندرز خسرو قبادان، اندرز داناگان به مزدیسنان و ... (سرامی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶).

یکی از انواع ادبیات، ادبیات کودکان است و در این میان، ادبیات دینی کودکان از ارزش و جایگاه والاتری برخوردار است:

ادبیات دینی کودکان به هر اثر شکوهمند و ممتازی اطلاق می‌شود که در آن، عامل تخیل، دخیل باشد و در ضمن با دنیای واقعی کودکان و ویژگی‌های ادراکی، احساسی آنان نیز ارتباط معنی‌داری داشته باشد و ضمناً آن دسته از مسائل مورد توجه ادیان و مذاهب را که برای کودکان قابل طرح است، محقق سازد. ادبیات به این معنا دربرگیرنده همه انواع آثار خلاقه شکوهمند و عالی برای کودکان است، چه شعر و چه نثر، چه قصه و داستان کوتاه و چه سایر انواع ادبی که برای کودکان به نگارش در می‌آید (دانشمند، ۱۳۸۹: ۷۹).

تعمیق آموزه‌های دینی از جمله مقوله‌هایی است که در ادبیات کودکان مورد توجه قرار گرفته. حتی نخستین نوع از کتاب‌های آموزشی نیز کتاب‌های الفبایی است که با آموزش‌های اخلاقی و دینی همراه بوده است؛ نام این کتاب‌ها در انگلستان، هورن بوک یا باتلدوز، در اسپانیا، کاتون، در آلمان، لوحه‌های خواندنی و در فرانسه، کتاب‌های ابتدایی بوده است (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۰: ۲۳).

با توجه به اینکه خداشناسی به عنوان یکی از اصول اساسی مکتب اسلام و اولین گام در مسیر عبودیت و دینداری و از مهم‌ترین مسائل زیربنایی زندگی معنوی و دینی انسان‌هاست، انجام تحقیق در این حوزه، می‌تواند از ارزش ویژه‌ای برخوردار باشد. هم‌چنین باید توجه داشت که آموزش و انتقال مفهوم خداشناسی به کودکان از طریق قصه‌گویی بهتر و با سرعت بیشتری انجام می‌گیرد.

کودکی که خدا را در یک اثر ادبی و هنری کشف کند از آنجا که خود نیز در یافتن او تلاش و مشارکتی آزادانه داشته است هرگز چنین خدایی را فراموش نخواهد کرد. نکته بسیار مهم در آفرینش ادبی و هنری، بیان غیر مستقیم است. تأثیر بسیار مهم بیان غیرمستقیم، پرهیز از تحمیل بوده و این همان چیزی است که الهیات امروز سخت به آن نیاز دارد. این همان نکته‌ای است که بیش از هر چیز دیگری می‌توان آن را در ادبیات، هنر و یا دست کم، بیانی ادبی و هنری یافت. (حجوانی، ۱۳۷۸: ۱۳).

یکی از مجاری جامعه‌پذیری و رشد شناختی کودکان، بازنمایی قصه‌ها و داستان‌هاست. از طریق شخصیت‌های تیپیک قصه و چگونگی برخورد شخصیت‌های داستان با موقعیت‌های اجتماعی‌شان، کودکان، موقعیت‌های شناختی-اجتماعی را به گونه‌ای بی‌خطر و در شرایطی امن، تجربه می‌کنند. (زنجانی و زارع، ۱۳۹۹: ۹۲).

کودکان امروز، مدیران فردای جامعه هستند که خودشناسی آنان به خداشناسی منجر می‌شود و چنانچه خداشناسی، مطابق شناخت و ادراک کودکان و به دور از تقلید و تحمیل بیان شود ادراک اصول اساسی دیگر به راحتی برای کودکان میسر خواهد گردید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر اساس تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی، تولید آثار مذهبی و دینی به ویژه برای نسل کودک و نوجوان مورد توجه جدی نویسندگان و ناشران قرار گرفت، بدین ترتیب، حال و هوای ادبیات کودک و نوجوان از جریان مذهبی تأثیر پذیرفت و حجم زیادی از آثار به مایه‌های مذهبی تعلق یافت.

یکی از نویسندگان توانمند در عرصه ادبیات دینی کودک، خانم کلر ژوبرت است. این نویسنده توانای ادبیات داستانی کودک و نوجوان در سال ۱۹۶۱ میلادی در فرانسه در خانواده‌ای هنرمند و تحصیل کرده به دنیا آمد. در سن ۱۹ سالگی پس از جستجو در ادیان و مکاتب مختلف به اسلام روی آورد و پس از ازدواج، با همسر ایرانی‌اش، مقیم ایران شد. وی در رشته لیسانس علوم تربیتی و فوق لیسانس ادبیات کودکان (از راه دور - دانشگاه لومان فرانسه) تحصیل کرده است و تحصیلات حوزوی (سطح ۲) نیز دارد. کار نویسندگی و تصویرگری را همزمان از حدود ۲۰ سال پیش آغاز کرده و آثارش را به دو زبان فارسی و فرانسه به رشته تحریر درآورده است. از سال ۱۳۸۸ همکاری با نشریات کودکان را آغاز نموده و از آن زمان عضو گروه کارشناسی داستان رشد نوآموز بوده‌است و با مجله‌های سروش کودکان، نبات کوچولو و گاهی مجلات کودک دیگری همکاری داشته و از سال ۱۳۹۱ عضو گروه کارشناسی داستان سروش خردسال و عضو کارگروه خردسال نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور شده و چند سال با کتابخانه انجمن حمایت از کودکان کار، هم‌کاری داشته است.

از آثار ارزشمند این نویسنده خوش ذوق، می‌توان به آثاری چون: درخت سوخته (۱۳۷۵)، نقاش چهره‌ها (۱۳۷۶)، در جست‌وجوی خدا (۱۳۸۴)، امین‌ترین دوست (۱۳۸۴)، قصه مارمولک سبز کوچولو (۱۳۸۵)، دعای موش کوچولو (۱۳۸۸)، خداحافظ راکون پیر (۱۳۸۸)، گریه کوچ ما (۱۳۸۹)، داستان‌های موموشی (۱۳۹۱)، دوست بزرگ، دوست کوچک (۱۳۹۲)، آش مشکل‌گشا (۱۳۹۴)، ملچ مولوچ (۱۳۹۴)، راه‌حل ریزه‌میزه خب دیگه! (۱۳۹۵)، سؤال موموکی (۱۳۹۸)، مسابقه کوفته‌پیزی (۱۳۹۸) و عید گنجشک‌ها (۱۴۰۰) اشاره کرد. این نویسنده پُرکار، در زمینه ترجمه نیز فعالیت داشته است که از آن جمله از این آثار می‌توان نام برد: زرد و صورتی، نوشته ویلیام استیگ (۱۳۹۳)؛ بازی‌های المپیک حشرات، نوشته اوژن (۱۳۹۳)؛ آدم کوچولو چه گرسنه است!، نوشته پیر دلی (۱۳۹۳)؛ تا سه می‌شمرم، نوشته امیل ژادول (۱۳۹۳)؛ پسر بیچه‌ای که حوصله‌اش سررفته بود (۱۳۹۵) و غول قوطی ماکارونی، نوشته جرمانو زولو (۱۳۹۶).

آثار خانم کلر ژوبرت به عنوان یک نویسنده موفق در زمینه داستان‌نویسی برای کودکان، از جایگاه و ارزش تحقیقی والایی برخوردار می‌باشد، زیرا ایشان پیش از آنکه وارد حوزه ادبیات داستانی کودک فارسی شوند، داستانهای خود را به زبان فرانسه می‌نویسند. اما

آنچه نگارنده را بر آن داشته تا این نویسنده را برای تحقیق در حوزه ادبیات داستانی کودک برگزیند این است که ایشان در عین برخورداری از ذوق سرشار نویسندگی در حوزه ادبیات داستانی کودک به دو زبان فارسی و فرانسوی، دارای تحصیلات عالی در رشته‌های علوم تربیتی و ادبیات کودکان هستند. نویسندگی برای کودکان و نوجوانان نیاز به آگاهی‌های روانشناختی و زیبایی‌شناختی دارد. خانم ژوبرت، علاقه زیادی به نقاشی کردن و مطالعه کتب روانشناسی کاربردی، نقد داستان و کتاب‌های تصویری دارند و ایشان جزو معدود نویسندگانی هستند که نویسندگی و تصویرگری را همزمان آغاز کرده‌اند. آثار داستانی این نویسنده توانا در حوزه ادبیات دینی کودکان و به ویژه در مفهوم خداشناسی، فراوان است. جذب مخاطب کودک به خواندن داستان با درون‌مایه‌های دینی نیاز به قدرت زبان، تخیل قوی و اطلاعات زیاد دینی و روان‌شناختی دارد و این نویسنده توانا به جهت برخورداری از این شایستگی‌ها توانسته است با استفاده از آیات و روایات و با تخیل قوی خود، کودکان را با مضامین دینی آشنا سازد و این از امتیازات آثار ایشان است. از دیگر سو ایشان در آغاز، مسیحی بوده و با مطالعه و جستجو در ادیان و مکاتب مختلف، به دین اسلام روی آورده‌اند و این مطالعات و ایمان قلبی و راستین به دین اسلام نیز در تبیین مفهوم خداشناسی و حتی مفاهیم اخلاقی سایر ادیان برای کودکان اثرگذار بوده است. ایشان تنها نویسنده خارجی حوزه ادبیات کودک و نوجوان هستند که به زبان فارسی تسلط دارند؛ ذهن و زبان و خیال کودک را خوب می‌فهمند و در تربیت دینی و ذهنی کودک سهم ارزنده‌ای دارند.

کلر ژوبرت در خصوص خداشناسی کودکان می‌گوید:

طبق دیدگاهی که خود به آن معتقدم، کودکان، عارفان کوچکی هستند که به دلیل تازه جداشدن از محضر خداوند و غوطه‌ور نشدن در دغدغه‌های دنیوی، او را بهتر به یاد دارند. پژوهش‌هایی در اواخر قرن بیستم، معنویت و توانایی خردسالان در برقراری ارتباط با خداوند را مسلم دانسته‌اند. به عقیده سوفیا کاولتی، پژوهش‌گر ایتالیایی که بیش از سی سال تجربه مطالعه و مشاهده در این زمینه را دارد توانایی عظیم دینی بالقوه در خردسالان هر کجایی وجود دارد او تصریح می‌کند: «در واقع این پتانسیل به حدی قوی است که من را وادار کرد از خود بپرسم: آیا پیوندی مرموز، کودک خردسال را به خدا متصل می‌کند؟» (ژوبرت، ۱۳۸۹: ۳۸).

با توجه به آنچه گفته شد هدف این پژوهش بررسی آثار داستانی کودک کلر ژوبرت در موضوع خداشناسی و آموزه های دینی، یافتن عیوب و محاسن این گونه داستان نویسی برای کودکان، ایجاد انگیزه جهت اصلاح راهکارهای نوین داستان نویسی ویژه کودکان و رشد و گسترش ادبیات داستانی کودک و تنوع دادن به موضوعات آن و نهایتاً ارائه دلالت های آن در حوزه ادبیات دینی کودکان است.

نگارنده در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش ها بوده است: آموزه های دینی در باب خداشناسی در داستان های کلر ژوبرت چه ساختاری دارد و آیا این آموزه ها از جهت محتوا و نحوه ارائه با معیارهای ادبیات کودکان همخوانی دارد و در نهایت اینکه آیا در داستان های وی به روانشناسی کودک و سن آنان و ویژگی های خاص هر دوره سنی توجه شده است؟

## ۲. روش شناسی

روش پژوهش جهت انجام تحلیل مفهوم خداشناسی در آثار داستانی کلر ژوبرت از جنبه دینی، اخلاقی و روان شناختی، توصیفی-تحلیلی بود که به توصیف عینی و کیفی محتوای و مفاهیم داستانها به صورت نظامدار پرداخته شد. در واقع، قلمرو این نوع تحقیق را متن های مکتوب و تصاویر کتابهای داستانی کلر ژوبرت تشکیل داده بود. پژوهشگر در این تحقیق، به دنبال تجزیه و تحلیل و توصیف مطالب مرتبط با مفهوم خداشناسی در داستانهای نویسنده بود که با مطالعه خط مشی و طرز تفکر نویسنده و مثالهای آورده شده در داستانها، میزان حضور و اثرگذاری مفهوم خداشناسی را از جنبه های دینی، اخلاقی و روان شناختی تحلیل نمود. در تحلیل داستانها عناصر و مطالب مرتبط با مفهوم خداشناسی از طریق فیش برداری، گردآوری و طبقه بندی شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این عناصر کلمه ها، جمله ها، بندها یا متن های کامل در آثار داستانی کلر ژوبرت با نام «در جست و جوی خدا» و «خدا حافظ را کون پیر» بود.

کتاب «در جست و جوی خدا» در سال ۱۳۸۴ برای گروه سنی ب و ج با تیراژ ۱۵۰۰۰ و قیمت ۴۰۰ تومان، در ۲۴ صفحه رنگی توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است. تصویرگر این کتاب، خانم ژوبرت است. این اثر، جایزه



دهمین جشنواره کتاب سلام، بچه‌ها و پوپک و جایزه جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی رشد را به خود اختصاص داده است.

کتاب «خداحافظ راکون پیر» در سال ۱۳۸۸ برای گروه سنی ب و ج، با تیراژ ۱۲۰۰۰ در صفحات رنگی و بدون شماره‌گذاری صفحات، توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است. تصویرگر این کتاب، خانم ژوبرت است. این اثر، جایزه سیزدهمین جشنواره کتاب سلام، جایزه کتاب سال شهید غنی‌پور و جایزه کتاب پروین اعتصامی را به خود اختصاص داده و به اذعان بسیاری از مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مورد توجه کودکان قرار گرفته است. همچنین متن دو زبانه آن (کردی-فارسی) برای گروه سنی «ب و ج و د» منتشر شده و به وسیله فهیمه میرزا حسینی به نمایش صحنه‌ای هم تبدیل شده است.

### ۳. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر توجه به مفهوم خدا در دوره کودکی مورد توجه بوده و پژوهش‌های ارزشمندی نیز در ابعاد مختلف از جمله روانشناسی و ادبیات کودک صورت گرفته است که در ذیل به بررسی مهمترین پژوهش‌ها می‌پردازیم:

قائم‌دوست و سلامی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «سیر تطور ادبیات کودک در ایران بر اساس چهار عامل دین و اخلاق و بی‌عدالتی، نظام تربیتی اسلامی و رؤیا و ماوراءالطبیعه» معتقدند تحولات تاریخی، تغییر عقاید و ظهور جنبش‌های فکری بر ادبیات کودک، تأثیر به‌سزایی داشته و آن را متحول می‌سازد. توجه به این تحولات، می‌تواند صاحب‌نظران در مقوله ادبیات و بخصوص ادبیات کودک و نوجوان را در پاسخگویی به نیازهای فعلی و آتی کودکان و نوجوانان ایران زمین هدایت نماید. معتمدی و غباری بناب (۱۳۹۸) در پژوهشی که در خصوص درک مفهوم خدا در کودکان و نوجوانان انجام داده‌اند باور دارند یافته‌های تحقیقشان می‌تواند در بررسی و بازبینی آموزش مفهوم خدا به کودکان، مفید واقع گردد و خواننده را در درک بهتر فضای شناختی کودکان، یاری دهد. آن‌ها معتقدند افراد آگاه به مسائل شناختی کودکان و تحول معنوی آنان نه تنها برای برداشت‌های انسان‌گرایانه کودکان از خداوند، دچار نگرانی و واکنش منفی نمی‌شوند بلکه می‌کوشند با بهره‌گیری از این تصورات، پلی برای رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی خود بسازند و کودک را در

غنی‌سازی افکار خداشناسی‌اش یاری دهند. بیگدلی و الهی (۱۳۹۴) معتقدند یکی از بهترین و زیباترین و اثربخش‌ترین ساز و کارها برای آموزش مفاهیم دینی، زبان قصه است. این پژوهش، با هدف بررسی نقش و اهمیت مفاهیم دینی، میزان هماهنگی اصول آموزشی حاکم بر قصه و مفاهیم دینی و شناسایی مفاهیم که از طریق زبان قصه، قابل آموزش است، انجام گرفته است. دادستان و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی تأثیر قصه‌گویی بر تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی و لبنانی پرداخته‌اند. تحلیل کوواریانس، نشان داده است که قصه‌گویی بر تحول مفهوم خداوند و همه مؤلفه‌های آن تأثیر مثبت داشته است. محسن علیق (۱۳۸۸) روانشناس و پژوهشگر لبنانی در پژوهشی تجربی در موضوع قصه دینی و تأثیر آن در نقل مفهوم خدا در کودکان ۶ تا ۱۱ ساله (لبنانی و ایرانی) به این نتیجه دست یافته است که روش قصه‌گویی، تأثیر مثبتی بر تحول مفهوم خدا در کودکان دارد. نتایج این پژوهش نشان داده است که اغلب کودکان پس از شنیدن قصه‌ها برخلاف مرحله پیش‌آزمون که خداوند را به صورت جسمانی و مادی نقاشی کردند به ترسیم خداوند با استفاده از سایر نمادها یا رسم آثار و نشانه‌های خداوند به عنوان جلوه‌های وجودی وی پرداختند. وجدانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «اصول و روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان و نوجوانان» به دنبال بهبود کارایی روش‌های اجرایی آموزشی و تربیتی بوده است. ایشان در پایان پژوهش خود، یک مجموعه تجویزهای تربیتی بر اساس مبانی و اهداف تربیت و هماهنگی با آن‌ها وضع کرده‌اند. مقدسی‌پور (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان پرداخته است. این پژوهشگر بر اصول و روش‌های صحیح آموزش مفاهیم دینی به کودکان تأکید کرده است و این نکته را متذکر شده که اگر آموزش مفاهیم دینی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به گونه‌ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده‌ای برخوردار نمی‌گردد، بلکه می‌تواند پیامدهای زیانباری به همراه داشته باشد. لذا؛ پژوهش‌گر در پژوهش خود در پی دستیابی به اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان با مرور بر آیات و روایات اسلامی و نظرات اندیشمندان تعلیم و تربیت و اندیشمندان اسلامی است. حجوانی (۱۳۷۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که مفاهیم دینی در ادبیات کودک باید غیر مستقیم مطرح شود و هدف صرفاً انتقال مفاهیم دینی به صورتی که ما بزرگترها درک می‌کنیم نباشد. امید علی و اسکندری (۱۳۹۷) در پژوهش خود، به این نتیجه دست یافته‌اند که آشنا کردن کودک با پدیده‌های طبیعی،

تحلیل مفهوم خداشناسی در داستان‌های کلر ... (طواق گلشاهی) ۲۷۵

یادآوری و برجسته کردن نعمت‌های الهی، آموزش دعا و نیایش، از جمله راه‌های شناساندن خدا به کودک در شعر کودک است. شکر الله زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی که در ارتباط با حوزه شعر کودک و نوجوان انجام داده، راه‌های خداشناسی در شعر کودک و نوجوان، شعر ۱۲ شاعر از ۱۵ کتاب شعر در سالهای (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷) را که درباره مفاهیم خداشناسی، شعر سروده‌اند مورد ارزیابی قرار داده است.

گرچه پژوهش‌های فوق تحقیقاتی ارزشمند در حیطه ادبیات دینی کودکان به‌شمار می‌روند، اما به‌طور ویژه و مستقل، به بررسی مفهوم خداشناسی در آثار داستانی نویسنده‌ای خاص، پرداخته‌اند بلکه این بررسی یا در خصوص مجموعه اشعار بوده و یا به‌صورت کلی به بررسی مفاهیم دینی در ادبیات کودک پرداخته شده و یا در موضوع قصه دینی و تأثیر آن در نقل مفهوم خدا در کودکان بوده و درباره موضوع در دست بررسی، پژوهشی انجام نگرفته است. اما در این پژوهش، پس از بیان خلاصه داستان، موضوعات محوری داستان‌ها تبیین شده و متن داستان‌ها از جنبه ساختاری، محتوایی و سبکی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و به شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌پردازی نیز پرداخته شده و علاوه بر تحلیل ظاهری آثار، محتوای داستان‌ها در موضوع خداشناسی از جنبه‌های دینی، اخلاقی و روانشناختی بررسی شده است.

#### ۴. یافته‌ها

تحلیل مفهوم خداشناسی در داستان‌های کلر ژوبرت با تأکید بر آموزش مفاهیم دینی به کودکان

#### ۱.۴ در جست‌وجوی خدا



#### ۱.۱.۴ خلاصه داستان

موشکا، سنجاب کوچک هر روز از بالای درخت می‌دید که بی‌بی سکینه خدا را صدا می‌زند. اما هیچ کس جوابش را نمی‌دهد. روزی موشکا تصمیم می‌گیرد برود خدا را پیدا کند و از او بخواهد جواب بی‌بی سکینه را بدهد. به همین خاطر در جست و جوی خدا به سراغ مخلوقات و آفریده‌های خدا می‌رود و نشانی خداوند را از آنها می‌پرسد. به سراغ کوه، پروانه، خرس و خورشید می‌رود اما در نهایت درمی‌یابد که خدا از کوه بزرگ‌تر، از پروانه زیباتر و مهربان‌تر، از خرس قویتر و قدرتمندتر و از خورشید، نورانی‌تر است. او در این جست و جو به این حقیقت می‌رسد که می‌توان خدا را در همه این مخلوقات حس کرد، بدون اینکه دیده شود. در پایان داستان، بی‌بی سکینه به سنجاب کوچولوی داستان می‌گوید: بعضی چیزها را نمی‌توان با چشم دید مثل عشق و محبت ولی نشانه‌هایش را می‌توانیم ببینیم. خداوند هم دیده نمی‌شود اما از طریق مخلوقات و نشانه‌هایش می‌توان به وجود او پی برد.

#### ۲.۱.۴ موضوع محوری داستان

##### ۱.۲.۱.۴ خداشناسی

انسان از سپیده‌دم تاریخ تاکنون به حکم فطرت پاک و خدادادی، اعتقاد به خدا را به‌عنوان اساسی‌ترین باور دینی در نهاد خود داشته است. در واقع، این باور دینی و حسن خداجویی، او را به سوی خداشناسی می‌رساند. کتاب «در جست و جوی خدا» جایزه دهمین جشنواره کتاب سلام بچه‌ها و پوپک و جایزه جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی رشد را به خود اختصاص داده است. همان طور که از عنوان داستان پیداست خداشناسی موضوع محوری داستان در جسجوی خدا می‌باشد.

#### ۳.۱.۴ تحلیل ظاهری کتاب

اولین چیزی که در کتاب کودک، توجه مخاطب را جلب می‌نماید، جلد کتاب و تصاویر آن است که در واقع، دروازه ورود به کتاب است. در واقع مخاطب کودک را به دیدن و خواندن کتاب هدایت می‌کند. کودکان پیش از آنکه متن کتاب را بخوانند به تصاویر دقت می‌کنند و با آن، ارتباط برقرار می‌کنند. در ابتدا اگر تصاویر، جذاب و زیبا جلوه نمود

در مرحله بعدی، کودک به سراغ متن و محتوای کتاب خواهد رفت. جلد کتاب در جست‌وجوی خدا، گلاسه و قطع آن، رقعی است. جنس صفحات از کاغذ مرغوب انتخاب شده. این کتاب در ۲۴ صفحه رنگی طراحی شده است. صفحات آن دارای شماره می‌باشد. اندازه حروف آن و حجم کتاب با سطح سنی مخاطب خود؛ یعنی پایان دبستان مطابقت دارد. جلد کتاب، با شاخ و برگ‌های انبوه جنگل، تصویرگری شده و بخش اعظم جلد کتاب را فرا گرفته است. رنگ غالب در بالای جلد و پس‌زمینه، سبزرنگ است. رنگ برگ‌های انبوه (سبز کم رنگ و پررنگ)، این بیت سعدی را به ذهن بیننده متبادر می‌کند:

برگ درختان سبز پیش خداوند هوش هر ورقی دفتری است معرفت کردگار  
(سعدی، ۱۳۸۶: ۴۵۲)

تصویر سنجاب قهوه‌ای‌رنگ با چشمانی جستجوگر در لابه‌لای برگ‌های انبوه، نقش محوری شخصیت داستان را نمایان می‌سازد. در پشت جلد کتاب، تصویر بی‌بی‌سکینه در پشت قاب پنجره، طراحی شده که حالت انتظار و نگرانی در چهره او نمایان است. عنوان کتاب «در جست و جوی خدا» در بالای صفحه با رنگ قرمز و به شکل فانتزی بر روی زمینه سبزرنگ نگاشته شده است. رنگ قرمز، رنگ محرک و مهیج است. این رنگ، رنگ گرمی است که حرکت و جنب و جوش را به ذهن مخاطب می‌رساند. انتخاب رنگ قرمز برای عنوان، کاملاً بجا و مناسب می‌باشد. عنوان و جلد کتاب در واقع نقش بראعت استهلال را داراست و محتوای اصلی داستان را پررنگتر جلوه می‌دهد و حس کنجکاوی و هیجان کودک را تحریک می‌کند. عنوان و تصاویر روی جلد کتاب، به عنوان عوامل مؤثر، مخاطب را به خواندن کتاب هدایت می‌کند.

صفحه (بسم الله)، صفحه بعد از جلد با زمینه‌ای از گل‌های شقایق زیبا تصویرگری شده است. گل‌های شقایق به رنگ قرمز و بنفش، رنگ‌آمیزی شده است. رنگ قرمز در واقع رنگ عشق است، عشقی که خداوند در نهاد و فطرت همه انسانها به ودیعت نهاده است. در صفحه شناسنامه، برگ‌های سبز، به تصویر کشیده شده و در صفحه بعد از آن، عنوان کتاب به رنگ بنفش و تصویر بی‌بی‌سکینه در قاب پنجره به اضافه برگ‌های سبز، تصویرگری شده است.

تصاویر داخل کتاب با متن، کاملاً متناسب و هماهنگ است. متن و تصاویر، قرینه یکدیگر هستند. تصاویر، همان چیزی را نشان می‌دهند که در متن آمده است. خانم کلرژوبرت از معدود نویسندگانی است که تصویرگری کتابهای خود را انجام داده و این ویژگی، عامل مؤثری برای تأثیرگذاری بیشتر و جذب مخاطب شده است. ایشان با به‌کارگیری تصاویر زیبا، جاندار و متنوع، به شفاف‌سازی متن پرداخته است که از عوامل توفیق ایشان به حساب می‌آید.

تصاویر در دو صفحه، روبروی هم تکمیل می‌شوند و متن بر روی زمینه سفید نوشته شده است. تصویر زیبای موشکا بر روی درخت کاج که از بالای درخت، حالت راز و نیاز و عبادت بی‌بی‌سکینه را نگاه می‌کرد (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۵-۴). زاویه دید از بالا به پایین در تصاویر کاملاً مشهود است. در صفحات ۷ و ۸ زاویه دید از پایین به بالا به خوبی تصویرگری شده است: (تصویر موشکا و کوه)، (تصویر موشکا و پروانه). تصاویر، سفر سنجاب کوچولو را به زیبایی از ابتدا تا پایان ترسیم کرده و تصویرگر، خانم کلرژوبرت برای کوه و خورشید، صورت انسانی، طراحی کرده است. به نظرمی رسد دلیل استفاده از صورت انسانی، گفتگوهای زیبای سنجاب کوچولو با این پدیده‌های طبیعی است.

تصاویر زیبا و خیال‌انگیز، قدرت تخیل پویا و قوی تصویرگر را کاملاً نشان می‌دهد. تنوع تصاویر، خستگی و دلزدگی را از بین می‌برد و خط بصری را در ذهن مخاطب کودک ایجاد می‌کند. تصویر کوه، بزرگی و عظمت آن و تصویر پروانه، رنگارنگی و زیبا بودن آن، تصویر خرس، قوی بودن آن و تصویر خورشید، نورانی بودن و مهربانی آن، به زیبایی هرچه تمام‌تر، ترسیم شده است و این امر، هنرمندی خانم کلرژوبرت را به خوبی آشکار می‌سازد.

در پس‌زمینه صفحات ۲۰ تا ۲۳ از بالا تا پایین، گل‌های بنفش با برگ‌های سبزرنگ، باریدن گرفته است. تصویر محبت و نوازش کردن بی‌بی‌سکینه در صفحه ۲۱، دریچه‌ای از مهربانی و آرامش را در برابر دیدگان مخاطب می‌گشاید. در صفحه ۲۳، تصویر خواب و آرامش سنجاب کوچولو در پایان سفر، بعد از یافتن خدای مهربان، تعادل روحی و آرامش را به مخاطب انتقال می‌دهد.

تصاویر گلهای شقایق در پایان کتاب، مانند آغاز کتاب، تکرار شده است.

#### ۴.۱.۴ تحلیل محتوایی داستان در جست‌وجوی خدا

خانم کلر ژوبرت با علاقه و مطالعه در زمینه‌های مختلف دینی و کودک، در موضوع خداشناسی به نوشتن داستان اقدام نموده‌اند. ایشان کتاب «در جست و جوی خدا» را در پاسخ به سؤالات فرزندشان و در واقع با آشنایی از سؤالات کودکان در زمینه خدا و خداشناسی نوشته‌اند.

داستان «در جست و جوی خدا» از صدا زدن و صحبت کردن بی‌بی سکینه با خداوند شروع می‌شود. سؤالاتی را که خانم کلر ژوبرت برای سنجاب در این داستان در نظر گرفته، در واقع سؤالات رایجی است که کودکان درباره خدا مطرح می‌کنند. موشکا نمی‌دانست این خدا کیست که بی‌بی، اینقدر صدایش می‌زند فقط این را می‌دانست که تا آن موقع، کسی نیامده بود به در خانه بی‌بی بگوید و بگوید: «من آمدم! منم، خدا!». جملاتی که موشکا در داستان بیان می‌کند، کاملاً با تصورات و درک کودکان از خداوند در سنین پایین‌تر (اوایل دبستان) مطابقت دارد. کودکان از ماهیت خداوند می‌پرسند. خداوند شبیه چه کسی است؟ خداوند با صدایی شبیه انسانها سخن می‌گوید و تصور کودکان از خداوند در این سنین، تصویری خام و مادی، شبیه یک انسان است.

#### ۵.۱.۴ محورهای اصلی داستان «در جست‌وجوی خدا»

##### ۱.۵.۱.۴ آموزه‌های دینی

کتاب «در جست و جوی خدا» به جهت داشتن ابعاد مهم و مختلف خداشناسی، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد و تأثیر شگرفی بر روحیه خداجویی فطری کودکان می‌گذارد.

یکی از امیال فطری انسان، خضوع و کرنش در برابر محبوب و معشوق است که در برابر هر محبوبی با درجه حُب به او ظهور می‌کند و مصداق می‌یابد. از سوی دیگر، معشوق و محبوب نهایی انسان، کمال مطلق است و کمال مطلق، همان خدای متعال است. بنابراین، عبادت و پرستش خدای متعال، امری کاملاً فطری است و یکی از اساسی‌ترین نیازهای روحی انسان به شمار می‌رود. (شیروانی، ۱۳۷۶: ۹۹).

در حقیقت، اصل مهم توحید، یکی از اصول اساسی مکتب اسلام و از مسایلی زیربنایی زندگی معنوی و دینی مسلمانان است. اگر اصل توحید و خداشناسی برای کودکان، با معرفت حقیقی، نه به صورت تقلیدی و کورکورانه ادراک شود، اصول دیگر دین اسلام،

نبوت و معاد را نیز به راحتی درک خواهند کرد. حسّ خداجویی در کودکان از همان سال‌های نخست کودکی وجود دارد. این حس، آغازگر جستجو و کنجکاوی کودک درباره خدا است.

خداجویی، مهم‌ترین ویژگی این دوره است که به صورت دغدغه همراه انسان است. حسّ خداجویی در کودکان به دلیل فطرت پاک و تازه جدا شده از خداوند، شدیدتر و محسوس‌تر است.

از دیدگاه اسلام، وجود فطرت، مسلم و قطعی است. انسان بر اساس فطرت الهی خلق شده و دین اسلام هم دین فطرت است و به همین دلیل، باقی و همیشگی است. قرآن در این باره می‌فرماید: حق‌گرایانه، روی به دین آور، ملازم سرشت و فطرتی باشید که خداوند مردم را بر آن سرشته است (آری این، آفرینش خداوند است) و آفرینش خدای را دگرگونی و تبدیلی نیست (روم: ۳۰) (سیف و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۲).

«موشکا تصمیمش را گرفت و با خود گفت: «خودم می‌روم، هرطور شده خدا را پیدا می‌کنم و به خانه بی‌بی می‌آورم... اما چطور خدایی را پیدا کند که او را هرگز ندیده است؟» (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۷). این سؤال، تصوّر کودکان را نشان می‌دهد که از مرئی بودن خداوند حکایت می‌کند.

توجه خداوند به همه موجودات و مراقبت از آنها، از مهربانی خداوند منبعث می‌شود. توجه به همه در بستر زمان و مکان (عملکرد خدا)، یکی دیگر از ابعاد خداشناسی است که خانم کلرژوبرت به آن پرداخته است. مهربانی از صفات رحمانی خداوند سبحان است. کودکان اغلب علت ندیدن را دوری از خدا می‌دانند: موشکا آهی کشید و گفت: «بیچاره بی‌بی! حتماً کسی به مهمی خدا فرصت ندارد به پیرزنی مثل او توجه کند!» «پروانه اعتراض کرد: «اصلاً این طور نیست! خدا به همه توجه می‌کند. این گل کوچک را ببین. خدا آن را هم فراموش نمی‌کند. خدا مهربان‌ترین موجود عالم است!» (همان: ۱۲).

خانم کلرژوبرت مسأله وجود خدا را در قالب جملات ساده و آشنا به ذهن کودکان اثبات می‌نماید. وجود خداوند به عنوان فراگیرترین بُعد خداشناسی است که ایشان در این داستان به آن پرداخته است. خورشید گفت: «خدا همه جا هست. لازم نیست این قدر دنبالش بگردی. هر جا بروی، او را پیدا می‌کنی.» سنجاب با هیجان فریاد زد: «پس حتماً خدا



تویی! تو بزرگ و زیبایی، مهربان و قوی هستی، و با نور درخشانت همه جا را روشن می‌کنی!» (همان: ۱۷).

خانم کلر ژوبرت پیچیده‌ترین مفاهیم دینی را در قالب جملات ساده و قابل فهم برای کودکان بیان نموده‌اند. «خورشید با مهربانی گفت: «گریه نکن، سنجاب کوچولو! خدا دیدنی نیست، اما او ما را می‌بیند. وقتی صدایش می‌زنیم، صدای ما را می‌شنود.» (همان).

این گفتار، تلمیح دارد به آیه ۱۰۳ سوره مبارکه انعام: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ الْغَيْبُ الْخَبِيرُ: او را هیچ چشمی درک ننماید و حال آنکه او همه دیدگان را مشاهده می‌کند و او لطیف و نامرئی و به همه چیز خلق، آگاه است.»

در واقع، تأثیر قرآن و دین را بر تفکر و بیان خانم ژوبرت، به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

«وقتی صدایش می‌زنیم، صدای ما را می‌شنود.» (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۱۷) که تلمیح دارد به آیه شریفه «وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (مائده: ۷۶). هر کس او را (بخواند) می‌شنود و به احوال همه، دانا است.

پاسخ نهایی خورشید به سنجاب هم قابل تأمل و تفکر برای کودکان است: «خداوند، صدای ما را می‌شنود و با نعمتهایش جواب می‌دهد.» (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۱۷).

نویسنده با نگاهی زیبا، معرفت و شناخت کودکان را به سمیع بودن خداوند مهربان ارتقا داده است چراکه درک این حقیقت که خداوند، شنوا است به راحتی برای کودکان، قابل فهم و قبول نیست اما خانم کلر ژوبرت، نعمتهایی را که خداوند به بندگانش عنایت فرموده، به شنیدن صدا و دعای بندگان، تعبیر کرده است. پاسخ بی‌بی سکینه به سنجاب در پایان داستان، تکمیل کننده اثبات وجود خداوند است: «بعضی از چیزها را نمی‌توان با چشم دید، مثل عشق، مثل محبت. ولی نشانه‌هایشان را می‌توانیم ببینیم. خدا با چشم، دیدنی نیست، ولی جهان پر از نشانه‌های خداست» (همان: ۲۰).

#### ۶.۱.۴ ویژگی‌های سبکی داستان در جست‌وجوی خدا

##### ۱.۶.۱.۴ ساختار داستان

در داستان «در جست‌وجوی خدا» از عنصر روایت و زاویه دید سوم شخص استفاده شده است. لحن داستان کاملاً مؤدبانه است و کلمات سخیف و کم ارزش که جنبه

بدآموزی برای کودکان داشته باشد، وجود ندارد. نویسنده با آشنایی از حوزه حساس دین و معرفت دینی، از روشهای غیر مستقیم‌گویی و نثر مناسب استفاده نموده و توانسته است داستانی را خلق کند که مفاهیم بلند دینی، مفاهیم مقدس و والای اخلاقی را به کودکان آموزش دهد. داستان به لحاظ اندیشه‌ای و حرکتی خود نقطه شروع و پایان دارد. در پشت تخیل نویسنده، اندیشه و افکار متعالی به چشم می‌خورد که به مخاطب کودک برای رسیدن به شخصیت تربیت یافته و متعالی و سالم کمک می‌کند.

خانم کلرژوبرت با تخیل قوی و مهارت بسیار در داستان‌نویسی توانسته است صفات خداوند را به صورت عینی و ملموس بیان کند و از طریق گفتگوهای موشکا (سنجاب) با پدیده‌های طبیعی و مخلوقات (کوه، پروانه، خرس و خورشید) موفق شده است ذهن کودکان را از مرحله حسّی و عینی به مرحله انتزاعی رهنمون سازد. همچنین با شناخت از توان و ویژگی‌های خیال کودکان، در هنری‌ترین شکل و قالب که همان داستان است، به‌طور غیرمستقیم، جواب سؤالات را قانع‌کننده و هدایت‌کننده بیان نماید که با تکنیک‌های داستان‌نویسی کودک مطابقت دارد.

نویسنده به اقتضای سن و سال کودکان، از روش‌های حسّی و ملموس استفاده نموده است که بهترین روش برای آموزش مفاهیمی چون خدا و اثبات وجود خدا است. از آن‌جا که شناخت و ادراک کودکان، بیشتر حسّی است و نمی‌توانند مسایل را به صورت عقلانی درک کنند، خانم کلرژوبرت نیز ابتدا کودکان را با نشانه‌ها و زیبایی‌های محسوس و ملموس جهان آفرینش آشنا نموده و از این طریق، آنها را متوجه آفریننده و خالق جهان هستی ساخته است.

در قرآن کریم، بسیار سفارش شده است که با تفکر و تدبّر در طبیعت و مخلوقات می‌توان به خداشناسی رسید. وی با استفاده از روش تفکر و تدبّر در طبیعت، کودکان را به خدا رهنمون ساخته و توانسته است جهان‌بینی توحیدی را القا نماید چراکه جهان آفرینش، بهترین کلاس خداشناسی است.

در داستان «در جست و جوی خدا» تمام ابعاد خداشناسی گنجانده شده است. ارتباط با خداوند، تصویر خداوند، صفات خداوند، عملکرد خدا و وجود خداوند، همگی از ابعاد خداشناسی هستند.

## تحلیل مفهوم خداشناسی در داستان‌های کلر ... (طواق گلدی گلشاهی) ۲۸۳

به این ترتیب، خانم کلر ژوبرت، خداوند و وجود خداوند را برای کودکان، ملموس و قابل حس معرفی کرده است.

براساس نظریه رشد شناختی پیاژه

خداوند کودک در ابتدا انسانی است که در آسمان زندگی می‌کند. این انسان به تدریج به سمبلی تبدیل می‌شود که شکل ندارد. جسمانی نیست، اما همه چیز را می‌داند و بر همه چیز توانایی دارد و در نهایت به یک مفهوم انتزاعی تبدیل می‌شود. (رسول‌زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۲).

بهترین زمان برای آموزش مفهوم خدا و راه‌های خداشناسی، دوران کودکی است زیرا اعتقاد به خدا به زندگی او جهت می‌دهد و در درک معنای زندگی، بسیار کمک‌کننده است. شناخت خدا برای کودک امر مهمی است. برای آموزش خداشناسی به کودکان روش‌های متعددی وجود دارد که می‌توان از آنها در معرفی صحیح خداوند و صفات او به کودکان بهره گرفت. «در سیره تربیتی معصومین نیز چهار کلید اصلی مشاهده می‌شود که عبارتند از: مفروض گرفتن اصل وجود خدا؛ استفاده از دلایل روشن و قابل فهم؛ تأکید بر معرفی خدا از راه صفات؛ ایجاد ارتباط با خدا و حفظ آن (داوودی، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۶). خانم کلر ژوبرت نیز از این روش‌ها برای معرفی درست خداوند به کودکان، سود برده است.

این نویسنده توانا از واژگان ساده و در حد فهم کودکان استفاده نموده است. از مفاهیم کنایی و پیچاندن معنی که متناسب با ادراک و نیازهای ذهنی کودک نمی‌باشد، استفاده نکرده و القای پیام در یک پروسه کاملاً زیرکانه ارائه شده است. داستان با درون‌مایه دینی و موضوع خداشناسی از ساختاری منسجم برخوردار است. رعایت همه این نکات از ویژگی‌های داستان‌نویسی خانم ژوبرت به شمار می‌آید که با تکنیک‌های داستان‌نویسی کودک کاملاً متناسب است.

### ۲.۶.۱.۴ شخصیت‌پردازی در داستان

نکته قابل توجه در داستان در جستجوی خدا، به کارگیری شخصیت انسانی (بی‌بی سکینه) در کنار شخصیت حیوانی (سنجاب) است. این دو شخصیت به عنوان شخصیت‌های اصلی داستان هستند. خانم کلر ژوبرت در داستان‌های دیگر خود فقط از

شخصیت‌های حیوانی استفاده کرده است. سنجاب کوچولو (موشکا) نماد کودک کنجکاو و پرسش‌گر است و کودکان به دلیل نزدیک بودن به این شخصیت به راحتی با آن هم‌ذات-پنداری می‌نمایند. نکته مهمی که در مورد شخصیت‌پردازی این داستان می‌توان ذکر کرد استفاده از پدیده‌های طبیعی مانند کوه و خورشید است که برای پیشبرد مضمون داستان، قابل توجه و تأمل است.

#### ۳.۶.۱.۴ دیالوگ‌پردازی

«موشکا پرید و پرید تا به پای کوه رسید. سرش را بالا گرفت و با تمام قدرت صدا کرد: «آهای! کوه بزرگ! دنبال خدا می‌گردم! او را می‌شناسی؟» «اوست که مرا این‌جا گذاشته. می‌توانی او را از بزرگی‌اش بشناسی. خدا از من خیلی بزرگ‌تر است. بزرگ‌ترین موجود عالم است» (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۸).

بشر، فطرتاً از همان آغاز، در جستجوی نیرویی برتر بوده و این نیرو را خدا نامیده است؛ خدایی که ورای همه نیروها است و از این رو است که گاه به بیراهه رفته و خورشید و ماه و ستارگان و ... را به عنوان معبود خود برگزیده است چراکه این آفریده‌ها را برتر و والا دانسته است. درک عظمت خداوند متعال برای بشر به طور عام و برای کودکان به طور خاص، به آسانی میسر نمی‌شود. عظمت حق را در عظمت آفریده‌هایش باید دید و از طریق عظمت مخلوقات و پدیده‌های آفرینش است که می‌توان به درک عظمت خداوند دست یافت.

حضرت علی(ع) در دشواری درک عظمت خداوند متعال می‌فرماید:

خدایا، حقیقت بزرگی تو را نمی‌دانیم، جز آن که می‌دانیم تو زنده‌ای و احتیاج به غیر نداری ... خدایا، آنچه را که از آفرینش تو می‌نگریم و از قدرت تو به شگفت می‌آییم و بدان، بزرگی قدرت تو را می‌ستاییم بسی ناچیزتر است در برابر آنچه که از ما پنهان و چشم‌های ما از دیدن آن‌ها ناتوان و عقل‌های ما از درک آن‌ها، عاجز است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

خانم کلر ژوبرت با آگاهی از این امر، از بزرگی کوه که عینی و محسوس است، به نحو احسن استفاده کرده است تا از این طریق بزرگی و عظمت خداوند را برای کودکان بیان نماید.

«موشکا به پروانه گفت: «تو هم مثل کوه، خدا را می‌شناسی؟» «پروانه پاسخ داد: «البته که می‌شناسم! اوست که این بال‌های قشنگ را به من داده، اما او از من خیلی زیباتر است!»» (در جستجوی خدا، ۱۳۸۴: ۱۰). نویسنده، ذهن کودکان را که مخاطبان اصلی او هستند از طریق زیبایی و رنگارنگ بودن بال‌های پروانه، به صفت زیبایی خداوند هدایت می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ. خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد» (کافی، ج ۶، بی‌تا: ۴۳۸). نویسنده، علاوه بر بیان صفت زیبایی، آفرینش و خلقت پروانه را به خداوند نسبت داده است: «موشکا ترسش را فراموش کرد و با تعجب سؤال کرد: «مگر تو هم او را می‌شناسی؟» «خرس پاسخ داد: «البته که می‌شناسم! به لطف اوست که این قدر قوی هستم. او هم از من خیلی قوی‌تر است. قوی‌ترین موجود عالم است»» (در جست‌وجوی خدا، ۱۳۸۴: ۱۵).

اشاره به صفت قوی و قدرتمند بودن خداوند است. نویسنده از صفت قوی بودن خرس استفاده کرده تا قوی و قدرتمند بودن خداوند را اثبات نماید.

کودکان، مسأله وجود خداوند را در یک جای مشخص، قبول دارند ولی حضور خدا را در همه جا، در ذهن خود یک تناقض می‌پندارند.

خورشید آرام خندید و گفت: «اینهایی که می‌گویم هستم، ولی خدا نیستم. خدا مرا آفریده و به من نور داده. او بسیار نورانی‌تر از من است» (همان: ۱۸). نویسنده، صفت نورانیت خداوند را بیان می‌نماید. خداوند در سوره نور می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ: خداوند، نور (وجودبخش) آسمانها و زمین است» (نور: ۳۵). کودکان نیز خداوند را به صورت یک منبع نورانی تصور می‌کنند.

در گفتگوهای موشکا با کوه و خورشید و پروانه و خرس، در پاسخ به سؤال موشکا که: «آیا خدا را می‌شناسی؟» همه با اطمینان پاسخ دادند: «البته که می‌شناسیم.» بعد هم دلایل خود را بیان کردند.

هر کدام از آنها به صفت ایجابی و جمالی خداوند به زیبایی اشاره نمودند. کوه به صفت بزرگی، پروانه به صفت زیبایی و مهربانی، خرس به قوی و قدرتمند بودن و خورشید به نورانی بودن خدا اشاره کردند.

نکات بسیار مهم و قابل استفاده برای کودکان از طریق دیالوگ‌پردازی جذاب نویسنده منتقل می‌شود. بیان مشترک همه آنها این است که: اولاً: خدا آنها را آفریده و همه این

صفات و ویژگی‌ها را خدا به آنها عطا کرده است. «خداوند آفریننده هر چیز است» (زمر: ۶۲). ثانیاً: خداوند، همه این صفات را به صورت کامل و در حد بی‌نهایت دارا است. ثالثاً: همه، اعتراف کردند صفات آنها جلوه کوچکی از صفات جمالی خداوند است.

مسایل مجرد و ذهنی به خصوص صفات خداوند برای کودکان اوایل دبستان، چندان جالفتاده نیست زیرا ادراک عقلی در دوران کودکی، محدود است. محدودیت ادراک در این دوران، باعث غلبه شدید تخیل و احساسات در کودکان می‌شود و ورود به مقوله‌های انتزاعی و ذهنی برای کودکان اگرچه دشوار به نظر می‌رسد، اما غیر ممکن نیست به دلیل این‌که کودکان در سنین پایان دبستان، کم‌کم آماده می‌شوند تا مسایل ذهنی و انتزاعی را ادراک نمایند و ذهن کودکان از مرحله حسّی و عینی به مرحله انتزاعی تکامل یابد.

#### جدول ۱. تحلیل داستان «در جست‌وجوی خدا»

گروه سنی ب و ج کودکان		
نتایج تربیتی	ویژگی‌های سبکی	مقوله‌های محوری داستان
خیال‌پردازی	شخصیت‌پردازی	خداشناسی
رسیدن به معرفت دینی	دیالوگ‌پردازی	آموزه‌های دینی
آگاهی به قدرت خدا	ساختار روایتی	تقویت تفکر انتزاعی

#### ۲.۴ داستان خداحافظ راکون پیر



#### ۱.۲.۴ خلاصه داستان

در صبح یک روز بهاری، خرگوش‌ها قرار است بچه‌دار شوند. هفت خرگوش کوچولو در شکم مادر، وول می‌خورند. بالأخره روز تولد فرا می‌رسد. شش خرگوش کوچک به دنیا می‌آیند و خرگوش هفتم در شکم مادر می‌ماند و نمی‌خواهد به دنیا بیاید. پدر خرگوش، دست به دامان راکون پیر می‌شود تا خرگوش کوچک را راضی کند به دنیا بیاید. راکون پیر کنار خرگوش مادر می‌نشیند و درباره‌ی زیبایی و بزرگی دنیا با خرگوش هفتم حرف می‌زند و او بالأخره پا به دنیا می‌گذارد و از زیبایی‌هایش در شگفت می‌شود و می‌فهمد که راکون پیر به او راست گفته است. خرگوش کوچولو (تک) با راکون پیر، دوست می‌شود و هر روز با هم به تماشای جنگل می‌روند و سؤالهای زیادی از راکون می‌پرسد. راکون هم با حوصله و گاهی با شوخی، پاسخ می‌دهد. روزها می‌گذرد، تا این‌که روزی راکون پیر می‌گوید: «اکنون وقت سفر رفتن من است، سفر به دنیایی بزرگ و ناشناخته». خرگوش نگران می‌شود و راکون توضیح می‌دهد که سفر من هم مثل سفر تو از شکم مادر به این دنیای بزرگ است. من نیز به دنیای بزرگتری می‌روم و بالأخره راکون پیر از دنیا می‌رود و حیوانات جنگل، بدن او را در خاک پنهان می‌کنند و برایش گل می‌آورند. خرگوش در حال گریه کردن، در شب مهتابی، راکون را در خواب می‌بیند. درحالی‌که راکون، خوشحال و خندان است به خرگوش می‌گوید: «دنیایی که من در آن هستم بسیار بزرگتر و زیباتر از دنیایی است که تو در آن هستی». روز بعد، سنجابی به سراغ خرگوش می‌آید و از او می‌خواهد تا بچه‌شان را که حاضر نیست به دنیا بیاید، تشویق کند تا پا به دنیا بگذارد.

#### ۲.۲.۴ موضوع محوری داستان

##### ۱.۲.۲.۴ مرگ و جهان بعد از مرگ

نویسنده، در این داستان، مفهوم مرگ و جهان پس از مرگ را بسیار لطیف و باورپذیر بیان نموده است.

#### ۳.۲.۴ تحلیل ظاهری

همان‌طور که بیان شد اولین چیزی که در کتاب کودک، توجه مخاطب را جلب می‌نماید، جلد کتاب و تصاویر آن است که در واقع، دروازه ورود به کتاب است. جلد کتاب داستان خداحافظ راکون پیر، گلاسه و قطع آن، خشتی است (۲۲×۲۲). جنس صفحات هم از کاغذ مرغوب استفاده شده است؛ دارای ۳۶ صفحه رنگی و اندازه حروف آن درشت، متناسب با ویژگی‌های جسمی و ذهنی مخاطب خود می‌باشد. کتاب در همه کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دسترس کودکان پایان‌دبستانی است. جلد کتاب با تصویر زیبایی در آغوش گرفتن خرگوش به وسیله راکون پیر در زیر درختی با برگ‌هایی رنگارنگ طراحی شده است. رنگ پس‌زمینه تصویر روی جلد، سبز چمنی است. لبخند چشم‌ها و رنگ ملایم پس‌زمینه، آرامش روحی را به مخاطب القا می‌کند که در واقع، نمایان‌گر فضای مورد نظر نویسنده می‌باشد. عنوان کتاب با خط درشت و رنگ سرمه‌ای زیبا بر روی جلد کتاب نگاشته شده است. تصویر روی جلد همراه با عنوان داستان به خوبی با محتوای کتاب، همخوانی دارد.

در صفحه بسم الله (صفحه بعد از جلد)، رنگ پس‌زمینه، سبز چمنی ملایم با شاخه‌هایی از درخت در بالای صفحه به تصویر کشیده شده است. در صفحه بعدی آن، خرگوش و راکون پیر با خوشحالی دست در دست یکدیگر با عنوان کتاب آمده و در صفحه مقابل شناسنامه کتاب، عنوان کتاب، با تصویر درخت بدون راکون و خرگوش، تصویرگری شده است.

تصاویر داخل کتاب، با متن داستان، متناسب است به طوری که در یک طرف صفحه، متن داستان و در طرف دیگر، تصویر متناسب با آن، طراحی شده و جذابیت بصری را برای مخاطب کودک مضاعف کرده است. تصاویر به کار رفته در این کتاب، بسیار متنوع و رنگارنگ و رنگ پس‌زمینه غالب آن، آبی روشن و شاد است. در تصاویری که راکون پیر و خرگوش کوچولو با هم هستند، تصویرگر از رنگ‌های شاد (آبی و صورتی) استفاده نموده است. به استثنای چند صفحه از کتاب، به واسطه مرگ راکون پیر و تنها شدن خرگوش و دل‌تنگی‌هایش، تصویرگر از رنگ‌های زرد و قرمز و نارنجی همراه با فضای غروب خورشید استفاده نموده تا غم و ناراحتی خرگوش را به تصویر بکشد و محتوای کتاب را پررنگ‌تر جلوه نماید. چشم‌ها در کتاب خداحافظ راکون پیر، سخن می‌گویند. امید



و مهربانی در چشمان راکون پیر و خرگوش موج می‌زند. به‌طور کلی می‌توان گفت استفاده از تصاویر غم‌انگیز در برابر تصاویری که فضای شادتری دارند بسیار اندک است. خانم کلر ژوبرت به دلیل موضوع داستان که مرگ و جهان پس از مرگ می‌باشد، ناگزیر از تصاویر و فضای غم‌انگیز استفاده نموده است تا تنهایی و دل‌تنگی خرگوش کوچولو را القا نماید اما از فضای شاد و مفرح هم فاصله نگرفته است، به دلیل اینکه دنیای کودکان، دنیایی پر از طراوت و شادابی می‌باشد. وی با این کار، تأثیر محتوای داستان را دوچندان نموده است. تصویرگر، صفحه آغازین را در صفحه پایانی کتاب تکرار نموده است، همچنین تصویر روی جلد (در آغوش گرفتن خرگوش و راکون پیر) را در وسط کتاب نیز تکرار کرده که در واقع می‌توان تکرار در تصاویر را از ویژگی‌های تصویرگری خانم ژوبرت بدانیم. تکرار تصویر روی جلد در وسط کتاب، بر اوج دوستی و رابطه دوسویه (عاطفی) راکون پیر و خرگوش کوچولو تأکید می‌کند. کتاب، شماره صفحه ندارد و شاید این امر با موضوع داستان مرتبط باشد چراکه مرگ و جهان پس از مرگ، به جاودانگی می‌انجامد و از قید اعداد و روزشمار و ... بیرون می‌آید. حجم و اندازه کتاب نیز متناسب با سطح سنی کودکان (پایان دبستان) می‌باشد.

#### ۴.۲.۴ تحلیل محتوایی کتاب داستان خداحافظ راکون پیر

پرداختن به موضوع «مفهوم مرگ و جهان پس از مرگ» در داستان‌های کودک، به گمان اکثر نویسندگان، دشوار می‌نماید به جهت اینکه این موضوع برای کودکان، غم‌انگیز و ناراحت‌کننده است و فهم آن برای کودکان، دشوار می‌باشد و با دنیای پُر از بازی و نشاط کودکان، فاصله زیادی دارد. این در حالی است که

بررسی دقیق، دانشمندان علوم رفتاری را بدون استثنا به این یافته می‌رساند که ذهن کودکان به میزان قابل ملاحظه‌ای با مرگ درگیر است. نگرانی‌های کودکان برای مرگ فراگیر است و تأثیر عمیقی بر دنیای تجربی‌شان می‌گذارد. مرگ معمای بزرگی برایشان است (یالوم، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

بنابراین، پاسخ دادن به سؤالات کودکان در این زمینه، کمک زیادی به آنها خواهد کرد. درحالی‌که کودکان ممکن است مرگ یکی از عزیزان یا دوستان خود را تجربه کنند و یا حداقل در فیلم‌ها و انیمیشن‌ها صحنه‌هایی از مرگ را مشاهده نمایند و این امر، ذهن آنها را

درگیر کند. آگاهی دادن راجع به مرگ، نه تنها برای کودکان، مضر نیست، بلکه باعث رشد و تکامل فکری آنان می‌گردد و تصویری متعالی و معنوی از مرگ می‌دهد که به معنای یأس و گریز از مرگ نیست بلکه به رشد و تعالی فکری منجر خواهد شد.

از نظر مصطفی صدیقی

مرگ، ترس از مرگ و جاودانگی، از مفاهیم و موضوعاتی است که کودکان از سنی خاص با آن مواجه می‌شوند. از روش‌های مهم برای آموزش مهارت مواجهه با این مفاهیم فلسفی، بهره‌گیری از آثار داستانی است و انتخاب متن‌های داستانی برای این کار، به شناخت، تفسیر و تحلیل آثار، نیاز دارد. (صدیقی، ۱۳۹۲: ۵۳).

مرادی و چالاک نیز ادبیات را یکی از ابزارهای مهم جهت درک مفهوم مرگ برای کودکان می‌دانند و معتقدند:

نویسندگان آثار ادبی رده‌های سنی کودک و نوجوان با توجه به اهمیتی که این مقوله دارد، در قالب نوشته‌های خود تلاش کرده‌اند تا با استفاده از شگردهای روان‌شناسانه، مخاطبان خود را در امر درک و مواجهه عقلانی با مسئله مرگ، یاری کنند. به همین دلیل، بخشی از آثار کودک و نوجوان به شکل خاص، موضوع مرگ و سوگواری را دستمایه داستان‌پردازی قرار داده‌اند. (مرادی و چالاک، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

از میان داستان‌نویسان ایرانی، علاوه بر خانم ژوبرت، مهدی امیرکیایی، نیز به این موضوع پرداخته است اما تفاوتی که وجود دارد، تفاوت در زبان و بیان این دو نویسنده کودک است. زبان امیرکیایی همراه با تلخ‌کامی و درد است، اما زبان و بیان خانم کلرژوبرت، لطیف، شیرین و باورپذیر برای کودکان است.

## ۵.۲.۴ محورهای اصلی داستان «خداحافظ راکون پیر»

### ۱.۵.۲.۴ آموزه‌های اخلاقی

#### ۱.۱.۵.۲.۴ راست‌گویی

راستگوییِ راکون پیر به خرگوش کوچولو باعث پیوند دوستی عمیق و قلبی بین آن دو می‌شود. خانم ژوبرت رابطه عاطفی - درونی، دوسویه و مطلوب اجتماعی‌ای را ترسیم می‌کند که هم در متن و هم در تصاویر به خوبی دیده می‌شود.

تک با همان دنیایی که راکون توصیف کرده بود مواجه می‌شود و با ذوق و شوق، فریاد می‌کشد: «وای! راکون پیر راست می‌گفت! چه دنیای بزرگ و قشنگی!» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

نکته قابل توجه دیگر اینکه راستگویی والدین و مربیان، باعث همراهی و اعتماد به آنان می‌گردد و تأثیر مثبت بر نوع نگاه و همچنین باورپذیری کودکان ایجاد می‌کند. چنان که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «صدق و راستی، نجات‌بخش است.» (خوانساری، ۱۳۴۶، ج ۵: حدیث ۵۳). راستگویی به عنوان یکی از آموزه‌های اخلاقی و دینی ما، در این داستان به زیبایی گنجانده شده است.

#### ۲.۱.۵.۲.۴ محبت و دوست‌داشتن

«تک دو دستش را دور گردن راکون پیر انداخت و دیگر هیچ نپرسید» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

این عبارت، حاکی از محبت قلبی راکون پیر و خرگوش کوچولو است که با تصویر زیبایی که به همراه متن آمده است، محتوای داستان را پیش می‌برد.

#### ۲.۵.۲.۴ آموزه‌های دینی

نکته جالب توجه دیگر اینکه راکون پیر، زمان مرگ را دقیقاً اعلام نمی‌کند و می‌گوید فقط خدا می‌داند. خانم ژوبرت به صورت غیر مستقیم، آموزش صفت دانایی خدا و آگاه‌بودن خداوند را در داستان بیان نموده است. روزی راکون، تک را روی پاهای خود نشاند و گفت: «تک! عزیزم ممکن است به زودی از اینجا بروم. اما فقط خدا می‌داند کی. می‌خواهم از تو که عزیزترین کس منی خداحافظی کنم» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

چنان که در این آیه شریفه نیز آمده است: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۳۴): «هیچکس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد پس خدا دانا و آگاه است.»

نویسنده، تصوّر کودکان از مفهوم مرگ را نشان می‌دهد و در اینجا برای تبیین آن از مفهوم سفر، بهره برده است. خانم کلرژوبرت از واژه مرگ و مُردن استفاده نکرده و به جای «مُردن» از «رفتن» و «سفر» استفاده نموده است. در واقع، وی وجود جهان پس از مرگ را می‌آموزد.

تک، بغض کرد و پرسید: «چرا این حرف را می‌زنی؟ راکون که هنوز این جاست!» گوزن سرش را تکان داد و گفت: «هر کس که از دنیا برود بدنش را اینجا جا می‌گذارد» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

نویسنده خانم ژوبرت در این جمله از زبان گوزن می‌خواهد اعتقاد جدا شدن روح از جسم و پرواز روح به عالم ملکوت را بیان کند. در واقع، از آموزش غیرمستقیم آموزه‌های اعتقادی به کودکان بهره برده است.

دفن کردن راکون پیر، روشی بر اساس باورهای مذاهب یکتاپرستان (مسلمانان) ارائه می‌دهد که باعث افزایش بینش و دانش کودکان می‌گردد و جزو مهم‌ترین آداب و رسوم دینی و شعائر اسلامی مسلمانان نیز هست:

گوزن و دارکوب و موش کور، چاله‌ای کنند و بدن راکون پیر را داخل آن، زیر کپه‌ای از خاک گذاشتند. سینه سرخ، یک شاخه کاج آورد و وسط خاک کاشت. کم کم تمام حیوانات جنگل خبردار شدند و یکی یکی، بی صدا آمدند و کنار کپه خاک ایستادند و برای راکون پیر دعا کردند. (همان)

احترام به جنازه مُرده و دفن کردن آن و دعا کردن برای آرامش او در روایات دینی مسلمانان نیز آمده است و نویسنده به خوبی توانسته آموزه‌های اعتقادی و دینی را که جزو جنبه‌های فرهنگی مرگ می‌باشد به کودکان آموزش دهد و علاوه بر آموزش، انتقال هم دهد.

صحبت کردن و حرف زدن با خدا، یکی از ابعاد خداشناسی است که خانم کلرژوبرت به نوعی توانسته است بین کودک و خداوند، پیوندی برقرار سازد.

راکون گفت: «با خدا حرف بزن تا دلت آرام شود» (همان). راکون، ارتباط با خداوند و مناجات کردن با این منبع سرشار مهربانی و عطوفت و آرامش‌بخش را توصیه می‌کند و این امر، از ابعاد خداشناسی در داستان خداحافظ راکون پیر به شمار می‌آید. چنان که در آیه شریفه نیز آمده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد: ۲۸) آگاه باشید که دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد».

امید داشتن به خداوند و توکل به او از عوامل توفیق و رسیدن به اهداف الهی و دینی است: «تک لحظه‌ای ساکت ماند، بعد نفس عمیقی کشید و زیر لب گفت: «خدایا به امید تو» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

چنان که در این آیه شریفه نیز آمده است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳). داستان خداحافظ راکون پیر از لحاظ مسایل دینی و آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی و نکات تربیتی که ذکر شد بسیار قابل توجه و حائز اهمیت است.

#### ۳.۵.۲.۴ آموزه‌های روان‌شناسی

«خردسالان، دنیا را بر اساس تجارب ذهنی خود معنا می‌کنند، مرگ را با تعبیری مثل خواب، جدایی و مصدومیت که تجارب شایع پیش‌دستانی‌ها هستند توجیه می‌کنند» (جمشیدی سیانکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۵). در حقیقت، ذهنیتی که کودکان در سنین پایین‌تر، راجع به مرگ دارند شبیه سفر یا خواب است در حالیکه در سنین بالاتر، طبق نظر روان‌شناسان در سنین ۹ تا ۱۰ سالگی، کودکان بالأخره می‌فهمند که کسی که مُرده است هرگز به دنیا برنمی‌گردد و بر اساس اعتقادات مذهبی، در بهشت به زندگی خود ادامه می‌دهد. پس مرگ، واقعیتی حتمی و گریزناپذیر است که در زندگی همه، اتفاق می‌افتد. ماری‌نگی درباره مراحل ادراکی مفهوم مرگ می‌گوید: «کودک فقط هنگامی که به سنین نه و ده سالگی پای می‌گذارد، مرگ را به مثابه روندی دارای قوانین مشخص، اجتناب‌ناپذیر و در عین حال، غیر قابل بازگشت درک می‌کند (کریمی، ۱۳۸۴: ۳۴).

خانم کلر ژوبرت از منظر زیست‌شناختی به مرگ پرداخته است آنجا که علت مرگ راکون پیر را بیان می‌کند (علیت)، با ویژگی‌های سنی کودکان مطابقت دارد: «راکون پیر، دست‌های لرزانش را نشان داد و گفت: «بین چه قدر پیر و خسته شده‌ام. گمانم وقت آن رسیده که از این دنیا بروم» (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

راکون، خبر مرگ خود را به خرگوش کوچولو می‌دهد و علت مرگش را پیری و خستگی بیان می‌کند تا هم آمادگی قبل از مرگ را برای او ایجاد کرده باشد و هم خرگوش کوچولو غافلگیر نشود.

یکی از نیازهای مهم روانی کودکان بعد از نیازهای حیاتی مثل آب و غذا و... نیاز به محبت است. پاسخگویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد. زیرا ارضای نیاز کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌باشد و برعکس، ارضا نشدن آن، باعث از بین رفتن آرامش روحی و روانی، بی‌اعتمادی به خود و دیگران، احساس عجز و حقارت و بسیاری از بیماری‌های جسمی و حتی انحرافات اجتماعی خواهد شد. نقش محبت در تربیت کودک، نقشی مهم و اساسی است.

در روایات دینی و سیرت معصومین (ع) نسبت به محبت به فرزندان، فراوان تأکید شده است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نوردد.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۶۵). هم‌چنین از آن حضرت، نقل شده است که: «خداوند به خاطر محبت انسان به فرزندش، به او رحمت می‌کند» (حرّ عاملی، بی‌تا: ۲۰۱).

احساس امنیت عاطفی، از مهم‌ترین عوامل رشد رضایت‌بخش کودک است و همان‌طور که ریبیل اریکسون و بسیاری از صاحب‌نظران دیگر بر آن تکیه کرده‌اند، مادر، پدر و سایر افراد خانواده باید طی یک دوره طولانی از مراقبت پایدار و واقعی، این نیاز را برآورده کنند. احساس امنیت از طریق محبت کردن به کودک و تأیید او حاصل می‌شود. کودک باید احساس کند که صمیمانه دوستش دارند و او را به عنوان یک فرد، تأیید می‌کنند. او در صورتی می‌تواند نگرشی مثبت و پایدار نسبت به زندگی داشته باشد که محبت و تأیید پایدار و یکنواختی از طرف افراد خانواده دریافت کند. (سیف و دیگران، ۱۳۷۵: ۲۶۳-۲۶۲).

خانم کلر ژوبرت به این نیاز روانی کودک (محبت و توجه به کودک) اهتمام جدی داشته و هنرمندی ایشان به خوبی در این اثر، مشهود است.

برخی از روانشناسان مانند پیازه، بر این عقیده‌اند که کودکان در سنین ۷ تا ۱۱ سالگی از اشیای عینی، استدلال منطقی دارند ولی درک صحیحی از مفاهیم انتزاعی و

## تحلیل مفهوم خدانشناسی در داستان‌های کلر ... (طواق گلدی گلشاهی) ۲۹۵

موقعیت‌های فرضی ندارند. از این رو به نظر می‌رسد مفهوم «مرگ» در نظر افرادی مانند پیاز، به عنوان مفهومی انتزاعی، با ذهنیت کودکان، همخوانی ندارد و از واقعیت‌های ذهنی کودکان دور است. از این رو، یک مربی باید با تدابیر خاص، آن‌ها را با این مفهوم آشنا کند. (عشوری و ماهروزاده، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۶).

یکی از برترین راهکارهای تربیتی برای آشنایی کودکان با مفهوم مرگ، تبیین زندگی پس از مرگ در جهان نباتات و جمادات است. به عبارت دیگر با تکیه بر طبیعت، به آن‌ها نشان می‌دهیم همان گونه که زمین و گیاهان در فصل پاییز و زمستان می‌میرند و سپس در بهار، زنده می‌گردند، ما انسان‌ها نیز از همین قاعده، تبعیت می‌کنیم و لازمه آن، واداشتن کودکان به تفکر نظام‌مند، تحقیق و کاوش در پدیده‌های طبیعی و هدایت کودکان در زمینه به کارگیری صحیح حواسشان است. (همان: ۹۰).

بیان خانم ژوبرت نیز در این داستان با نظرات روانشناسان کاملاً مطابقت دارد. اگر توجه کودک را به باز شدن گل جلب می‌کنیم باید به خشک شدن گلها و برگها هم جلب نماییم تا از این طریق، مفهوم مرگ ادراک گردد. باید از مثال‌هایی که کودکان در این مقطع سنی، تجربه کرده‌اند استفاده شود تا تأثیر بیشتری بر ادراک کودکان داشته باشد. آموزش و انتقال مفهوم مرگ برای کودکان، همه پدیده‌های طبیعت را می‌تواند در بر بگیرد از جمله: کوه، جنگل، دریا و دشت و ... و معطوف کردن ذهن کودکان به تغییراتی که در این پدیده‌ها در فصول مختلف رخ می‌دهد و حتی خلقت آسمان و گردش ستارگان و افلاک و طلوع و غروب خورشید و ماه و در واقع، کودک، از طریق مثال‌های ملموس و عینی درمی‌یابد که همه چیز، فانی و از بین رفتنی است.

نویسنده، مرگ را کون پیر را با فصل پاییز (خشک شدن و تغییر رنگ برگها) هنرمندانه بیان نموده و مفهوم مرگ را با توصیف زیبایی از پاییز، به صورت ملموس و عینی برای درک بهتر و آسانتر کودک بازگو کرده است. توصیف دقیق، هم در متن و هم در رنگ پس‌زمینه (نارنجی و زرد و قرمز) با تصاویر کاملاً متناسب و هماهنگ، به اوج خود رسیده است.

خانم کلر ژوبرت علاوه بر جنبه‌های زیست‌شناختی و فرهنگی از جنبه‌های عاطفی مرگ هم غافل نبوده و حتی از جنبه‌های عاطفی مرگ، پررنگ‌تر استفاده نموده است:

تک بغض کرد و پرسید: چرا این حرف را می زنی؟ راکون که هنوز اینجاست! وقتی همه رفتند تک دوباره تنها شد. خیلی غمگین و پریشان بود. تک، کنار شاخه کاج نشست و به گریه افتاد. آن قدر گریه کرد تا شب شد و مهتاب درآمد. تک هق هق کنان گفت: «دلَم گرفته بود نگرانت بودم». (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸).

#### جدول ۲. تحلیل داستان «خداحافظ راکون پیر»

گروه سنی ب و ج کودکان		
مقوله های محوری داستان	ویژگی های سبکی	نتایج تربیتی
آموزه های دینی	شخصیت پردازی	ترویج راستگویی
آموزه های اخلاقی	دیالوگ پردازی	آموزش محبت نمودن و دوست داشتن
آموزه های روانشناختی	ساختار روایتی	انتقال مفهوم مرگ و جهان پس از مرگ به کودکان

#### ۵. نتیجه گیری

درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسال یکی نیست. کودکان در حد بضاعت ذهنی خود، مفاهیم دینی را درک می کنند و بر پایه همین توانایی ذهنی خودشان است که جهان بینی خود را شکل می بخشند. بنابراین، ضروری است که توانایی ذهنی کودکان شناخته شود و متناسب با این توانایی ها روش مناسب برای آموزش مفاهیم دینی به کودکان اتخاذ شود. خانم کلر ژوبرت با آگاهی از این ظرفیت ذهنی کودکان به آموزش مفاهیم دینی در قالب داستان، روی آورده است. وی با آشنایی از پرسش های کودکان پیرامون خدا و خداشناسی به نوشتن آثار خود پرداخته است. ایشان با شناخت ویژگی های خیال کودکان توانسته است در هنری ترین شکل و قالب داستانی (فابل) به روش غیرمستقیم گویی، جواب پرسش های آنان را قانع کننده و هدایت کننده بیان نماید. از آنجا که شناخت و ادراک کودکان، بیش تر حسّی است و آنها نمی توانند مسایل را به صورت عقلانی درک کنند، خانم کلر ژوبرت ابتدا کودکان را با نشانه ها و زیبایی های محسوس و ملموس جهان آفرینش، آشنا نموده و از این طریق، آنها را به آفریننده و خالق جهان هستی رهنمون ساخته است. نویسنده با در نظر گرفتن مقتضای سن و سال کودکان از روش های حسّی و ملموس که بهترین روش برای آموزش مفاهیمی چون خدا و اثبات وجود خداست،



استفاده کرده و پیچیده‌ترین مفاهیم دینی را به زبانی ساده، در قالب جملاتی کوتاه و قابل فهم برای کودکان بیان نموده است.

مفهوم غالب در آثار کلر ژوبرت، عاطفه و ارتباطات اجتماعی است. ایشان به خوبی از عهده این مفاهیم برآمده است. علاوه بر این ویژگی، استفاده از تصاویری با رنگ های شاد و جذاب از عوامل توفیق این نویسنده تواناست. همه داستان‌های ایشان از پایانی خوش و امیدوارکننده، برخوردار است و آرامش روحی و روانی خاصی در کودک ایجاد کرده و از طریق تأکید بر صفات رحمانی خداوند به تثبیت و تشدید عشق و علاقه کودک نسبت به خدا پرداخته است.

وجود خدا، اثبات خدا، ارتباط با خدا، تصویر خداوند، صفات و عملکرد خداوند، همگی از مهمترین و پیچیده‌ترین مفاهیم اعتقادی هستند که نویسنده در داستان‌هایش از طریق دیالوگ‌پردازی جذاب و مناسب به آن‌ها پرداخته است. آموزه‌های دینی دیگری هم چون امید داشتن به خدا، توکل کردن به خدا، آرامش گرفتن از طریق یاد خدا، سپاس‌گزاری، رضایت الهی و تسلیم در برابر خداوند، تواضع و فروتنی در برابر خداوند و دعاکردن نیز مورد توجه این نویسنده قرار گرفته است.

مسئله مرگ و آشنا کردن کودکان با این مفهوم به دلایل مختلفی معمولاً سرسری گرفته شده است. خانم کلر ژوبرت با دادن رنگ و بویی دینی به مفهوم مرگ و توجه به جنبه‌های زیستی، فرهنگی و عاطفی آن به آموزش و آشنا ساختن کودکان با این مفهوم در داستان خداحافظ راکون پیر اهتمام ورزیده است. وی با جایگزین ساختن مفهوم «رفتن» به جای «مردن» در واقع نه تنها مفهوم مرگ را آموزش می‌دهد؛ بلکه کودکان را با وجود جهان پس از مرگ نیز آشنا می‌سازد. همچنین در داستان‌های این نویسنده، مفاهیم اخلاقی و اجتماعی‌ای هم چون راستگویی، وفاداری، احترام به دیگران، ایثار و از خودگذشتگی، احسان و نیکی به هم‌نوع، مهربانی و محبت ورزیدن به دیگران، مشورت کردن و دوستی و همدلی مورد توجه قرار گرفته است. سبک و سیاق ظاهری و محتوایی داستان‌های ژوبرت در نوشتن داستان‌ها در حوزه آموزش مفاهیم دینی می‌تواند الگوی مناسبی برای نویسندگان حوزه ادبیات دینی کودکان باشد. همچنین خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش در دوران کودکی می‌توانند از این داستان‌ها در جهت آشنا ساختن کودکان با مفاهیم دینی و پاسخ دادن به پرسش‌گری‌های کودکان پیرامون مفاهیم دینی و اخلاقی استفاده کنند.

## کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۸۷)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات پیری.
- نهج البلاغه (۱۳۸۵)، ترجمه محمد دشتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- امیدعلی، حجّت الله و اسکندری، علی (۱۳۹۷)، «راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودکان در شعر کودک»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، س ۱۳، ش ۲۶.
- بیگدلی، الیاس و الهی، طاهره (۱۳۹۴)، «نقش قصه در آموزش مفاهیم دینی»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۲۰۹.
- جمشیدی سیانکی، مریم و دیگران (۱۳۹۵)، «مداخلات ویژه سوگ برای کمک به کودکان داغ‌دیده»، ماهنامه علمی‌روانشناسی، س ۵، ش ۱، شماره پیاپی ۱۴.
- حجوانی، مهدی (۱۳۷۸)، «سرانجام بچه‌ها خدا را برمی‌گردانند»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۸.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، جلد ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد بن آقا حسین (۱۳۴۶)، شرح غررالحکم، ج ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- داستان، پریخ و دیگران (۱۳۸۹)، «قصه‌گویی و تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی و لبنانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی تحولی روانشناسان ایرانی، ش ۲۴.
- دانشمند، مرتضی (۱۳۸۹)، «آیا ادبیات دینی کودکان تنها ادبیات تعلیمی و موعظه است»، روشنان (نشریه تخصصی ادبیات کودک و نوجوان)، دفتر دهم.
- داوودی، محمد (۱۳۸۰)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رسول زاده طباطبایی، کاظم و دیگران (۱۳۸۶)، «بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خصوصیات دموکراتیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگی‌های والدین بر ادراک آنان از مفهوم خدا»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)، دوره ۳، ش ۴.
- زنجانی، امیرحسین و زارع، حسین (۱۳۹۹)، «بازنمایی فرایندهای شناختی در قصه «خاله سوسکه»: بر پایه تحلیل گفتمان»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تفکر و کودک، س ۱۱، ش ۱.
- ژویرت، کلر (۱۳۸۹)، «بررسی ادبیات تخیلی داستانی و قابلیت تبیین مفهوم خدا»، روشنان (نشریه تخصصی کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان)، دفتر دهم.

## تحلیل مفهوم خداشناسی در داستان‌های کلر ... (طواق گلدی گلشاهی) ۲۹۹

ژوبرت، کلر (۱۳۸۸)، خداحافظ را کون پیر، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ژوبرت، کلر (۱۳۸۴)، در جست و جوی خدا، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سرامی، قدمعلی (۱۳۸۰)، پنج مقاله درباره ادبیات کودک، چاپ اول، تهران: انتشارات ترفند.  
سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۶)، کلیات سعدی، بر اساس تصحیح محمد علی فروغی، چاپ اول، مشهد: به‌نشر.

سیف، سوسن و دیگران (۱۳۷۵)، روانشناسی رشد (۱)، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.  
شکرالله‌زاده، سودابه. خوشبخت، فریبا (۱۳۹۱). «بررسی راه‌های خداشناسی در کتاب‌های شعر کودک و نوجوان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، دوره ۷، ش ۱۵.  
شیروانی، علی (۱۳۷۶)، سرشت انسان، پژوهشی در خداشناسی فطری، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.

صدیقی، مصطفی (۱۳۹۲). کودک، داستان کودک و مواجهه با مفهوم مرگ، تحلیل داستان «ساداکو و هزار دُرناغی» بر پایه نظریه کولبراس، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تفکر و کودک، س ۴، ش ۲.

عشوری، مریم و ماهرزاده، طیبه (۱۳۹۶)، «راهکارهای آموزش مفهوم مرگ به کودکان با تکیه بر قرآن و روایات اسلامی»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، س ۲۶، ش ۲۳۷.  
فیض کاشانی، ملّا محسن (۱۳۸۳ ه.ق)، المحجّه البیضاء فی تهذیب الأحياء، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی قم وابسته به جامعه مدرّسین.

قائم‌دوست، پونه و سلامی، مسعود (۱۳۹۸)، «سیر تطوّر ادبیات کودک در ایران بر اساس چهار عامل دین و اخلاق و بی‌عدالتی، نظام تربیتی اسلامی و رؤیا و ماوراء الطبیعه»، ماهنامه علمی - پژوهشی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۴۴.

کاشفی خوانساری، سید علی (۱۳۹۰)، تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان، چاپ سوم، تهران: حوا.  
کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴)، پژوهش در مفهوم مرگ در ذهن کودک، تهران: قدیانی.  
کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، اصول کافی، جلد ۶.

محسن علیق، امیمه (۱۳۸۸)، «تأثیر قصه دینی بر تحوّل مفهوم خدا در کودکان (۶ تا ۱۱ ساله) و مقایسه آن در لبنان و ایران»، روشنان (نشریه تخصصی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان).

مرادی، ایوب و چالاک، سارا (۱۳۹۹). «بررسی نقش تصاویر هنری در مواجهه منطقی مخاطب نوجوان با مفهوم مرگ بر اساس الگوی ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران (نمونه موردی رمان آن سوی دریای مردگان)»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تفکر و کودک، س ۱۱، ش ۱.

معتمدی، فرزانه و غباری بناب، باقر (۱۳۹۸)، «مراحل تحول معنوی و درک مفهوم خدا در کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۴ ساله»، مجله علمی تخصصی پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ش ۱۳.

مقدسی پور، علی (۱۳۸۲)، «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۷۵.

نعمت‌اللهی، فرامرز (۱۳۹۰)، ادبیات کودک و نوجوان (شناسایی، ارزشیابی، ارزشگذاری)، تهران: مدرسه.

وجدانی، فاطمه (۱۳۹۲)، «اصول و روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان و نوجوانان»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ش ۲۶.

یالوم، اروین د (۱۹۳۱م)، روان‌درمانی اگزستانسیال، ترجمه دکتر سپیده حبیب، تهران: نی.